

حقوق عمومی در حج البلاغه

www.ketab.ir

دکتر مسلم آقایی طوق

مدرس دانشگاه و وکیل پایه یک دادگستری

زیر نظر

حجت الاسلام و المسلمین دکتر غلامحسین هادیان

سرشناسه	: آقای طوق، مسلم، ۱۳۶۱-
عنوان قراردادی	: نهج البلاغه، برگزیده، شرح
عنوان و نام پدیدآور	: حقوق عمومی در نهج البلاغه / مسلم آقای طوق؛ زیر نظر غلام حسین هادیان.
مشخصات نشر	: تهران: خرسندی، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	: ۳۶۶ ص.
شابک	: 978-600-114-511-7
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
موضوع	: علی بن ابی طالب (ع)
- حقوق عمومی	: امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه -
موضوع	: علی بن ابی طالب (ع)
درباره حقوق	: امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. -- دیدگاه
شناسه افزوده	: هادیان، غلامحسین.
شناسه افزوده	: علی بن ابی طالب (ع)
برگزیده، شرح	: امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه.
رده‌بندی کنگره	: ۱۴۰۱ آ ۷ ج ۱ / ۳۸ / ۰۹ / BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷ / ۹۵۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۰۵۸۵۷۴

www.ketab.ir

انتشارات خرسندی

خیابان انقلاب، خیابان فلسطین، خیابان لبافی نژاد، بعد از تقاطع خیابان دانشگاه، پلاک ۱۷۴، واحد ۲

تلفن: ۵-۶۶۹۷۱۰۳۴ و ۵-۶۶۴۹۰۵۸۴

پست الکترونیک: Khorsandy.pub@gmail.com

سایت اینترنتی: www.Khorsandypub.com

حقوق عمومی در نهج البلاغه

دکتر مسلم آقای طوق

چاپ دوم: ۱۴۰۱ - تیراز: ۲۰۰ جلد - قیمت: ۲۴۰۰۰۰۰۰ ریال

شابک: ۷-۵۱۱-۱۱۴-۶۰۰-۹۷۸ ISBN: 978-600-114-511-7

فهرست مطالب

۱۱	درآمد
۱۷	فصل اول: رابطه حقوق عمومی با نهج البلاغه
۱۸	نهج البلاغه و محتوای آن
۲۱	حقوق عمومی و نهج البلاغه
۲۷	فصل دوم: نظریه دولت
۲۷	ضرورت وجود دولت
۲۹	وسيله بودن دولت
۳۰	مقبولیت مردمی نظام
۳۶	امانت بودن حکومت
۳۷	فسادآور بودن قدرت
۳۸	همبستگی
۴۶	جامعه مشارکتی
۵۱	فصل سوم: ویژگی‌های زمامداران
۵۲	پیشرو بودن
۵۳	سلامت نفس و پاک‌دستی
۵۵	عدم پرستش دنیا
۵۷	عدم تزلزل
۵۸	قاطعیت
۶۱	شجاعت
۶۲	فروتنی و عدم تکبر
۶۹	لزوم بهره‌مندی از تجربه
۷۰	بینش صحیح سیاسی و اجتماعی
۷۵	فصل چهارم: اصول حقوق اداری

۷۵ شایسته‌سالاری
۸۵ مسئولیت دولت
۸۶ اصل انطباق
۸۷ لزوم رعایت اصل تناسب
۸۹ اصل تداوم خدمات عمومی
۹۱ گزینش مستخدمان
۹۴ رعایت نظم
۹۵ نظارت بر عملکرد عاملان
۹۶ تشویق و تنبیه
۱۰۰ تأمین مناسب مستخدمان
۱۰۰ اصل امکان اعتراض به تصمیمات اداری
۱۰۳ فصل پنجم: حقوق اساسی
۱۰۳ جایگاه رئیس کشور
۱۰۵ رعایت عرف‌های سیاسی پسگازیده
۱۰۹ فصل ششم: حقوق بشر و شهروندی
۱۱۰ حقوق شهروندی
۱۱۲ تساوی و حمایت از حقوق همه شهروندان بدون تمایز
۱۱۹ آزادی انسان
۱۲۱ حق حیات
۱۲۲ حق مالکیت
۱۲۴ حریم خصوصی
۱۲۶ حق بر توسعه
۱۲۶ حق بر دانستن
۱۲۸ حق بر آموزش
۱۳۰ آزادی بیان
۱۳۹ نافرمانی مدنی
۱۴۱ حفاظت از محیط‌زیست
۱۴۵ فصل هفتم: مسائل مربوط به ساختار نظام
۱۴۵ عدم تراکم امور در مرکز
۱۴۷ تفویض اختیار
۱۴۸ تقسیم کار و پرهیز از چندشغله بودن
۱۵۳ فصل هشتم: اصول حکمرانی مطلوب
۱۵۳ مردم‌داری و سعه صدر
۱۵۴ تکریم مردم

۱۵۶	شیوه برخورد با مردم
۱۶۱	سعه صدر
۱۶۳	لزوم بهره‌مندی از دانش و دوری از خرافه‌پرستی
۱۶۷	شفافیت و صداقت
۱۷۱	مشورت عمومی
۱۷۷	حاکمیت قانون
۱۸۲	برنامه‌ریزی
۱۸۳	فصل نهم: اصول سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری
۱۸۳	رصد وضعیت شهرها و نقاط مختلف کشور و منطقه و آگاهی از آن
۱۸۵	واقع‌نگر بودن و شناخت محدودیت‌ها
۱۸۶	مطالعه رفتار و عملکرد گذشته
۱۸۸	دقت در نگارش قوانین و مقررات
۱۸۹	شناخت نیازهای روز
۱۹۱	فصل دهم: بایسته‌های حکمرانی اسلامی
۱۹۱	دوری از شعارزدگی
۱۹۳	رعایت اخلاق در سیاست
۱۹۸	رعایت انصاف و عدالت
۲۰۰	وفای به عهد و دوری از غدر
۲۰۴	لزوم اعتدال
۲۰۸	ارتباط مستقیم با مردم
۲۱۰	اصالت مدارا تا حد امکان
۲۱۱	حفظ صلح و دوری از فتنه‌انگیزی
۲۱۵	نصیحت و خیرخواهی برای مردم
۲۱۶	اعتماد متقابل مردم و دولت (سرما به اجتماعی)
۲۲۱	فصل یازدهم: راهبردهای اقتصادی
۲۲۱	حفظ بیت‌المال و مبارزه با فساد مالی
۲۳۱	حمایت از کسب و کار
۲۳۳	تأمین اجتماعی
۲۳۵	اهمیت امور مالی کشور
۲۳۷	نتیجه‌گیری
۲۴۱	ضمیمه: موضوعات تفصیلی حقوق عمومی در نهج البلاغه
۳۶۱	منابع

درآمد

حقوق عمومی مشتمل بر حقوق اساسی، حقوق اداری و حقوق مالی یکی از شاخه‌های اصلی حقوق به شمار می‌رود که معطوف به دولت و عملکرد آن و همچنین روابط آن با مردم است. بنابراین، حقوق عمومی حقوق ناظر بر گونه‌ای خاص از روابط اجتماعی است که میان اشخاص صاحب قدرت (فرمانروا) و اشخاصی که از قدرت اطاعت می‌کنند (فرمانبران) برقرار می‌شود.^۱ با آنکه دولت به عنوان یک نهاد سیاسی - اجتماعی قدمت بسیار زیادی دارد ولی دانش حقوق عمومی بسیار جوان محسوب می‌شود؛ در واقع، این رشته از حقوق هنگامی در کشور فرانسه پدیدار شد که نظام سلطنتی، به تجدید ساختار کشور همت گماشت. با این همه، در قرن نوزدهم بود که استقلال رشته حقوق عمومی به روشنی چهره خود را آشکار کرد، زیرا انقلاب فرانسه دولتی را به وجود آورده بود که سازمان‌بندی و حدود صلاحیت آن به طور منطقی تعریف و تبیین شده بود.^۲

برای بررسی زیرشاخه‌های حقوق عمومی، می‌توان از دو زاویه مختلف نگاه کرد. از منظر حقوق خارجی، حقوق عمومی دارای شاخه‌ای به نام حقوق بین‌الملل عمومی است که به تنظیم روابط بین کشورها با یکدیگر می‌پردازد. البته روابط بین کشورها و سازمان‌های بین‌المللی و گاه افراد نیز مشمول قواعدی از حقوق بین‌الملل

۱. دومیشل، آندره و پی یر لالومیر (۱۳۷۶) **حقوق عمومی**، ترجمه ابوالفضل قاضی شریعت پناهی، تهران: دادگستر، ص ۱۱.

۲. همان.

می‌گردد. حال آنکه از منظر حقوق داخلی، حقوق عمومی به ویژه در شکل کنونی آنکه شامل سه شاخه اصلی و عمده حقوق اساسی، اداری و مالی است.

با این وجود، مواد خام و اولیه این دانش از آثار کهن فلاسفه سیاسی یونان و روم باستان همچون افلاطون، ارسطو و سیسرو و متألهینی همچون سنت آگوستین و سن توماس اکویناس اخذ شده است و بر پایه اندیشه اندیشمندان عصر خرد در اروپا همانند هابز، لاک و روسو در طول سالیان متمادی صیقل یافته و به تدریج به نام حقوق عمومی نامبردار گشته است. بنابراین، هر چند این شاخه از دانش حقوق به عنوان یک دانش نوپا شناخته می‌شود، ولی مفاهیم اولیه آن مربوط به قرن‌ها پیش است.

در این میان آنچه همواره مورد غفلت و بی‌مهری نویسندگان غربی قرار گرفته است، آثاری است که در جهان اسلام پدید آمده‌اند. پس از قرآن کریم که از جانب خداوند متعال به رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده است، آثار بسیار متعددی در میان مسلمانان به وجود آمده است که گاه به دست حاکمان مسلمان نگاهشته شده و خطبه‌ها و رسالات آنها در آن درج شده است. نهج البلاغه جزء آثار دسته دوم است که دربرگیرنده کلام گهربار و درافشان حضرت امیر علیه آلاف التحية والسلام است. آن حضرت به عنوان اولین مسلمان حدود ۱۵ سال در بطن جریات دینی و سیاسی قرار داشته و به مدت ۵ سال از همین دوران را شخصاً به عنوان حاکم و خلیفه اسلامی فعالیت داشته‌اند. در این نیم قرن، شرایط و فضاهای سیاسی بسیار متفاوتی به وجود آمد که هر کدام خط‌مشی‌ها و طرز عملکرد خاصی را می‌طلبد و عملکرد امام (ع) که تربیت یافته مکتب نبوی بودند، در این دوران پرفراز و نشیب بسیار مغتنم و از هر جهت درس آموز است.

کتاب شریف نهج البلاغه که به همت والا و مأجور سید رضی نور الله مرقدہ از ادیبان و اندیشمندان بزرگ قرن چهارم هجری تدوین شده است،^۱ مجموعه‌ای گرانبها از خطبه‌ها، رسالات و کلمات قصار حضرت امیر است که به نظر ایشان از درجه فصاحت و بلاغت بسیار بالایی برخوردار بوده‌اند. تعداد قابل توجهی از خطبه‌ها و

۱. برای آگاهی از زندگانی و دوران ایشان، نک. دوانی، علی (۱۳۶۰) «نگاهی به زندگانی پرافتخار سید رضی (ره)»، یادنامه کنگره هزاره نهج البلاغه، تهران: بنیاد نهج البلاغه، صص ۲۳۵-۲۲۱؛ شهرستانی، هبه‌الدین (۱۳۷۸) در پیرامون نهج البلاغه، چاپ ششم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، صص ۲۹-۲۰.

رسالات مندرج در این کتاب، از آن ۵ سال اخیر عمر شریف آن حضرت است که به عنوان خلیفه مسلمین، زمام جامعه اسلامی را در دست داشتند.

البته این کتاب در طول بیش از هزار سال که از تدوین آن می گذرد، دست کم نهصد و پنجاه سال را در انزوا و سکوت بوده است. جزء دانشوران و خواص، کسی از نهج البلاغه جز نامی نمی دانست. پس از آنکه سید علی نقی فیض الاسلام اولین ترجمه از آن را به جامعه عرضه کرد، اولین بار بود که مردم با وجود چنین کتابی به طور فراگیر آشنا شدند.^۱

متأسفانه این اثر ارزشمند همواره مورد غفلت نویسندگان حقوق عمومی نیز واقع شده است. نویسندگان و اندیشمندان غربی حقوق عمومی به عمد یا به سهو به نهج البلاغه توجه نکرده و در آثار خود اشاره‌ای به این کتاب نکرده‌اند. همین سنت مغرضانه یا جاهلانه، در میان نویسندگان مسلمان^۲ و حتی شیعه نیز جاری است و تاکنون توجه خاصی به این کتاب در آثار این حوزه صورت نگرفته است، چه رسد به اینکه اثر مستقلی در این باب به نگارش درآید. البته آثار محدود و اندکی در دست است که در آنها مسائلی از حقوق اساسی، اداری و مالی از منظر نهج البلاغه بررسی شده‌اند (نک. به فهرست منابع) ولی تعداد و حجم این آثار آنچنان که باید و شاید، در شأن کتاب بزرگی همچون نهج البلاغه نیست.

بدین ترتیب، هدف از انجام پژوهش حاضر پاسخ به این نیاز و کاستی دیرینه است. هدف اصلی این پژوهش این است که با تأمل و تدبیر در نهج البلاغه در حد امکان مفاهیم و اصولی که امروزه ما در حقوق عمومی آنها را بررسی می کنیم، استخراج و دسته‌بندی شده و با مراجعه به تفاسیری که تاکنون درباره این کتاب شریف نگاشته شده و همچنین با مطالعه تاریخ دوران امام علی (ع) و جریانات سیاسی آن زمان و همچنین با تکیه بر دانش حقوق عمومی و آثاری که در این زمینه

۱. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۶۳) «حکومت در نهج البلاغه»، یادنامه کنگره دوم نهج البلاغه، تهران: بنیاد نهج البلاغه، ص ۲۱.

۲. حتی بخشی از اهل سنت، انتساب مطالب نهج البلاغه به امام را نیز نمی پذیرند و آن را ساخته و پرداخته خود سیدرضی می دانند. برای دیدن اقوال این دست از متفقان، نک. حنفی داود، حامد (۱۳۶۰) «نهج البلاغه و تأیید نسبت آن به امام علی»، یادنامه کنگره هزاره نهج البلاغه، تهران: بنیاد نهج البلاغه، صص ۳۳۱-۳۳۳.

نگاشته شده‌اند، تلاش کنیم نوعی کتاب مرجع یا دستنامه^۱ را در اختیار علاقه‌مندان به این کتاب شریف ولی مهجور بگذاریم.

مزیت انتخاب موضوع و عنوان کلی حقوق عمومی در نهج البلاغه بر سایر موضوعات جزئی‌تر همچون حقوق اساسی در نهج البلاغه یا حقوق اداری در نهج البلاغه این است که این کار به عنوان مقدمه‌ای بر یک کار بزرگ‌تر می‌تواند مخاطبان بیشتری را دربربگیرد. بدیهی است در گام‌های بعدی باید پژوهش‌های دقیق‌تر و علمی‌تری صورت بگیرد تا از این طریق علاوه بر ترویج ارزش‌های دینی از آن نوع که در نهج البلاغه منعکس شده است بیش از پیش از اندیشه الهی حضرت امیر نیز در ادبیات حقوق عمومی بهره‌مند شویم.

کتاب حاضر، در یک مقدمه، یازده فصل و یک نتیجه‌گیری تنظیم شده است. بدین توضیح که پس از اثبات این مسئله در فصل اول که نهج البلاغه علاوه بر برخورداری از ارزش‌های دیگری، برای حقوق عمومی نیز منبع بسیار ارزشمندی است، فصل‌های بعدی به بررسی نحوه بازتاب موضوعات مختلف حقوق عمومی در نهج البلاغه اختصاص یافته است. بدین ترتیب، فصل دوم به بررسی شیوه نگرش امام به برخی از مباحثی که در حقوق عمومی تحت عنوان نظریه دولت مطرح می‌شوند، پرداخته است. برای نمونه، مسائلی از قبیل ضرورت وجود دولت، وسیله بودن دولت و یا فسادآور بودن قدرت. فصل دوم به مطالعه ویژگی‌های زمامدار مطلوب از نظر نهج البلاغه می‌پردازد. این فصل یکی از فصولی است که مطالب آن می‌تواند ارزش‌های هنجاری متعددی برای ما داشته باشد، چراکه در اغلب موارد، در حقوق عمومی مدرن به این دست از مباحث اهمیت داده نمی‌شود، حال آنکه می‌توان آثار آن را مورد بررسی علمی قرار داد.

در فصل سوم، طی یازده بند به بررسی مواردی از اصول حقوق اداری پرداخته شده است که در نهج البلاغه به نحوی از انحا به آن توجه شده است. اصولی از قبیل شایسته‌سالاری، مسئولیت دولت و لزوم رعایت اصل تناسب. در فصل چهارم، سه بحث مهم که مشخصاً در حوزه حقوق اساسی می‌گنجد یعنی جایگاه رئیس کشور، عرف سیاسی و نیز استقلال قضا مورد توجه قرار گرفته‌اند. در فصل پنجم، با عنوان

حقوق بشر و شهروندی، مواردی بیان شده است که امروزه در اسناد مختلف بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی، جزء حقوق بشر و شهروند قلمداد می‌شوند. از جمله اصل برابری، آزادی، حق حیات، حق مالکیت، حق بر حریم خصوصی و مسائلی از این دست.

مسائل فصل ششم که مربوط به ساختار نظام سیاسی می‌گردد، عمدتاً مواردی هستند که بین حقوق اساسی و حقوق اداری قرار می‌گیرند و از جمله مهم‌ترین مسائل حقوقی در حقوق عمومی محسوب می‌شوند. عدم تراکم امور در مرکز، تفویض اختیار و تقسیم کار و پرهیز از چندشغله بودن مسائلی هستند که در این فصل مورد بحث قرار می‌گیرند. فصل هفتم با عنوان اصول حکمرانی مطلوب، به بررسی مطالب مختلفی همچون شفافیت و صداقت، مشورت عمومی و حاکمیت قانون می‌پردازد که در دوران پس از جنگ جهانی دوم در اسناد مختلف بین‌المللی جزء عناصر حکمرانی خوب قلمداد می‌شوند.

در فصل هشتم، امرای ذکر شده‌اند که در ارتباط با نحوه سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری هستند. برای مثال، رصد وضعیت شهرها و نقاط مختلف کشور و منطقه و آگاهی از آن، واقع‌نگر بودن و شناخت محدودیت‌ها و مطالعه رفتار و عملکرد گذشته مواردی هستند که رعایت آنها برای هر نوع سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری لازم است و گریزی از آنها نیست. فصل دهم نیز به تحلیل بر مسائل مشابهی است. این فصل که تحت عنوان بایسته‌های حکمرانی اسلامی تنظیم شده است، شامل مواردی از قبیل دوری از شعارزدگی، رعایت اخلاق در سیاست، رعایت انصاف و عدالت، وفای به عهد و دوری از غدر، لزوم اعتدال، ارتباط مستقیم با مردم، اصالت‌مدارا تا حد امکان و حفظ صلح و دوری از فتنه‌انگیزی است که بیشتر جنبه هنجاری دارند و رعایت آنها از یک دولت اسلامی انتظار می‌رود. نهایتاً فصل یازدهم به تبیین راهبردهای اقتصادی دولت و نحوه انعکاس آن در نهج البلاغه می‌پردازد. مسائلی از قبیل حفظ بیت‌المال و مبارزه با فساد مالی، حمایت از کسب و کار، تأمین اجتماعی و اهمیت امور مالی کشور عناوینی هستند که در ذیل این فصل مورد توجه قرار گرفته‌اند.

در پایان بر خود فرض می‌دانم از کمک‌های بزرگوارانه پژوهشگاه علوم انسانی - اسلامی دانشگاه جامع امام حسین (ع) و به خصوص حجت‌الاسلام و

المسلمین جناب آقای دکتر غلامحسین هادیان که راهنمایی بنده را برای انجام این کار با کمال احترام پذیرفتند، قدردانی نمایم. همان طور که لازم است قدردان زحمات و تلاش های تمامی معلمان و اساتیدی باشم که از اول ابتدایی در دبستان شهید مصطفی خمینی تبریز تا پایان دوره دکترا در دانشگاه تهران در محضر آنان فیض برده و دانش آموخته ام.

نَسْأَلُهُ مَنَازِلَ الشُّهَدَاءِ وَ مَعَايِشَةَ السُّعْدَاءِ وَ مُرَافِقَةَ الْأَنْبِيَاءِ
۲۳ آبان ۱۳۹۴

www.ketab.ir